

وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه^۱

سید حنّان رضوی^۲

چکیده

مقاله حاضر پس از بررسی لغوی و اصطلاحی واژه وحدت و اتحاد، انواع وحدت را از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه بررسی نموده است. وحدت به اعتبار جامعه‌شناسی از نگاه دینی عمدتاً به سه قسم تقسیم می‌شود: وحدت در حوزه جوامع بشری؛ وحدت در حوزه ادیان توحیدی و وحدت در حوزه اسلامی. آنچه در این نوشتار بررسی و تحقیق شده است، وحدت در حوزه اسلامی می‌باشد. در حوزه اسلامی، به مبانی و محورهای وحدت اشاره شده است که نمونه‌هایی از آن را می‌توان توحید، اسلام، قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دوستی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، برادری اسلامی، قبله مسلمین و مراسم عبادی حج معرفی کرد. هم‌چنین، راه‌کارهای عملی ایجاد وحدت اسلامی مانند: تحکیم مشترکات، تحمل عقاید متقابل، انتقاد بدون اهانت، ارتباط علمی دانشمندان اسلامی، اجتناب از تعصب، فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی، خیرخواهی متقابل از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، به طور مختصر بررسی گردیده است. آثار وحدت اسلامی، از قبیل: امنیت، عزت و اقتدار دینی، عزت و اقتدار ملی، رشد جامعه اسلامی، و افزایش نعمت‌های الهی، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه از دیگر مطالب بررسی شده در این مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی: وحدت، انسجام اسلامی، قرآن، نهج البلاغه، محورهای وحدت، آثار وحدت اسلامی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسئله امت اسلامی که همواره در متون دینی، به خصوص قرآن و نهج البلاغه، مورد توجه و اهمیت ویژه قرار داشته است، وحدت و انسجام امت اسلامی است، زیرا اولین

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۵/۱۵؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۸/۲۳.

۲- محقق و نویسنده.

دعوت‌کننده به اتحاد بعد از خدا و رسول ﷺ، حضرت علی عَلِيٌّ است که الگو و سرمشق وحدت برای تمام مسلمانان جهان بوده و با اینار و فداکاری، وحدت امت اسلامی را حفظ و پاسداری کرد (نامه/۷۸): «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَأَعْلَمُ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ الْفَتْهَا مِنِّي أُتْبِعِي بِذَلِكَ حُسْنَ التَّوَابِ وَ كَرَمَ الْمَأْبِ». از این رو مقاله حاضر با موضوع وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه در پنج فصل به قرار زیر تدوین شده است.

۱- کلیات

وحدت و اتحاد در لغت هر دو از یک ماده تشکیل شده است که به معنای یکی بودن (ر.ک: فراهیدی، ج ۳، ص ۲۸۱؛ معلوف، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۲۱۵۲) و یگانگی (ر.ک: عمید، ص ۱۲۴۱) است، و در اصطلاح تقریب بین مذاهب اسلامی که با استفاده از نظرات بزرگان و دانشمندان اسلامی تعریف می‌شود عبارت است از: «هم‌بستگی مسلمانان بر مشترکات و مسلمت‌دین اسلام، در آمال و مقاصد آن با حفظ و رعایت مرزها، که به منزله مجموعه واحد به شمار آیند.» (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۲-۲۱۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶/۱/۲۷؛ سبزیان، ۱۳۸۶ش، ص ۶۶ و ۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/۲/۱۵، خامنه‌ای، ۱۳۷۶ش، ج ۵، ص ۲۲۹).

روشن است که تعریف اصطلاحی وحدت و انسجام امت اسلامی با مقاصد قرآنی منافات ندارد، زیرا با وجود بعضی از اختلاف‌ها، فرقه‌های اسلامی ناگزیرند با هم کنار بیایند تا اهداف مشترک امت اسلامی تحقق یابد. از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه اگر حصول وحدت حقیقی یک‌باره ممکن نباشد، حصول تدریجی آن امکان‌پذیر است (مطهری، پیشین).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که باید روشن شود نوعیت وحدت اسلامی است که از آرمان‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه و هم‌چنین تقریب بین مذاهب اسلامی است.

وحدت مقوله‌ای است که حسن آن ذاتی نیست، بلکه حسن و قبح آن به دو چیز برمی‌گردد؛ یکی محور اتحاد و دیگری هدف و مقصد آن، از این رو هر وحدتی از نظر قرآن مطلوب نیست، بلکه برخی اوقات وحدت داشتن در اموری مانند: سلیقه‌ها، اصناف، شغل و تجارت، در عرصه‌های علم و فکر و غیره باعث تراحم و هرج و مرج جامعه می‌شود و به طور قطع چنین وحدتی از نگاه دینی و عرفی باطل است؛ بلکه اختلاف در این موارد باعث رشد و تکامل جامعه می‌شود.

پس وحدت داشتن بر امر باطلی ولو از جهت شرعی، عقلی و یا عرفی باشد، از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه باطل و نامطلوب است. وحدتی که از نظر قرآن و نهج‌البلاغه مطلوب و مقدس است، چند ویژگی دارد؛ ۱- بر پایه و محوری باشد که قرآن بیان کرده است؛ ۲- دنبال‌کننده اهداف و مقاصدی باشد که قرآن و سنت مطرح کرده است.

در عرصه اجتماعی می‌توان به وحدت در حوزه جوامع بشری، وحدت در حوزه ادیان توحیدی و وحدت در حوزه اسلامی اشاره کرد.

از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه، دعوت به دین اسلام جهان‌شمول است، زیرا یکی از تعبیرات و خطاب‌های قرآن با کلمه «ناس» است (حجرات/۱۳) و از دعوت‌های مهم قرآن و نهج‌البلاغه به تمام جهان، پذیرش دین اسلام است که رستگاری بشریت در آن می‌باشد؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل‌عمران/۱۹). البته این به این معنا نیست که قرآن برنامه‌ای برای تعامل با کسانی که منکر دین اسلام هستند نداشته باشد؛ «وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا...» بلکه از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه کفار و مشرکین دو دسته‌اند؛ کفار و مشرکین حربی و کفار و مشرکین غیرحرب.

خداوند متعال مسلمانان را از هرگونه ارتباط با کفار و مشرکین حربی، منع کرده است (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ص ۱۷۹) که آیات متعدد به آن اشاره دارد (توبه/۵؛ مجادله/۲۲، ۱۴؛ توبه/۲۳؛ ممتحنه/۹). اما در کنار آن، ارتباط مسلمانان با جوامع بشری (کفار و مشرکین غیرحرب) را منع نکرده است؛ «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶) بلکه به نیکی و عدالت در مورد آنان حکم کرده است؛ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸). چنان‌که در سیره و سخنان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (ر.ک: حلی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۳) و حضرت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام مشاهده می‌شود؛ «وَ أَشْعَرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِبًا تَعْتَمِدُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ أَمَا أَحَدُكَ فِي الدِّينِ وَ أَمَا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۹) اما با وجود این، دین اسلام مرز و حدود اتحاد در حوزه جوامع بشری را مطرح کرده است که یکی از آنها عدم تجاوز به حریم امنیت مسلمانان می‌باشد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ... وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه/۱-۹).

اتحاد در حوزه ادیان توحیدی از این جهت مطرح می‌شود که قرآن به اهل کتاب تشخص خاصی داده است «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...» (آل‌عمران/۶۴)، زیرا با مسلمانان مشترکات خاصی دارند، از این رو خداوند متعال اهل کتاب را به «کلمه سوی» دعوت می‌نماید؛ چنان‌که از نظر قرآن برنامه و هدت پیامبران الهی یکی بوده است؛ «وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَيْنَا وَ إِلَيْكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت/۴۶) هر چند در اثر اختلاف زمان و مکان متفاوت بودند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۱۱۰-۱۱۲) و امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام (نهج البلاغه، نامه ۵۱: «وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُضَلًّا وَلَا مُعَاهَدًا») برای حفظ منافع و ارزش‌های مشترک با اهل کتاب پیمان‌های مشترک امضا می‌کردند و ادیان توحیدی را در آمال و مقاصد به عنوان یک ملت تلقی می‌کردند و در عرصه اجتماعی حقوق همسان برای مسلمانان قائل بودند، گرچه آیاتی از قرآن شرک اهل کتاب را مطرح می‌کند، اما آنچه مسلم است به شهادت احادیث (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۳۹۸؛ برقی، بی‌تا، ص ۲۴۶، باب ۲۸، ح ۲۴۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۸۶، ح ۴۵/۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۲۳؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۲۸۹) و گفتار صریح دانشمندان اسلامی و فهم متشرعان (خمینی، ۱۳۷۳ش، ج ۳، ص ۲۹۶؛ حکیم طباطبائی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۵؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۷) و عرف، نسبت شرک در این آیات به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه مجاز در اسناد به کار رفته است، چنان‌که این نوع شرک در مورد مسلمانان هم به کار رفته است؛ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف/۱۰۶)؛ اما در کنار این ارتباطات و تعاملات با اهل کتاب، یک سری مرزها و حدود نیز مطرح شده است؛ برای نمونه، دوستی و اعتماد مطلق که موجب علاقه شدید بین مسلمانان و اهل کتاب بشود، منع گردیده است (مانده/۵۱).

۲- اتحاد اسلامی

اتحاد در حوزه اسلامی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی است و از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اهمیت بسیار زیادی دارد. از دیدگاه قرآنی الفت و اتحاد مؤمنان، یکی از نعمت‌های الهی و اختلاف و تفرقه امت‌ها عذاب خداوند می‌باشد. قرآن کریم یکی از ویژگی‌های زمان جاهلیت را به گودال آتش تفرقه و اختلاف تعبیر می‌کند که با نعمت اسلام به اتحاد و هم‌دلی تبدیل شد؛ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ (آل عمران/۱۰۳).

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید هیچ کس نسبت به وحدت و انس امت اسلامی، از من دلسوزتر نیست؛ «وَلَيْسَ رَجُلٌ فَأَعْلَمُ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ الْفَتْهَا مِنِّي أُبْتِغِي بِذَلِكَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ كَرَمَ الْمَأَبِ» (نهج البلاغه، نامه ۷۸)، و می‌فرمود هیچ امتی در اختلاف و تفرقه خیری ندیده است؛ «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفَرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى، وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ» (پیشین، خطبه ۱۷۶). در سیره حضرت به روشنی دیده می‌شود که چه قبل از خلافت و چه در دوران خلافت به مسئله اتحاد امت می‌پرداخت و از موضوع تفرقه برانگیز پرهیز می‌کرد؛ «أَيُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُنَنِ النَّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ

الْمُنَافِرَةَ وَ زَعُوا تَيْجَانَ الْمُنَافِرَةِ أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ أَوْ اسْتَسَلَّمَ فَأَرَّاحَ» (پیشین، خطبه ۵) (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۹). از نگاه حضرت، وحدت و اتحاد امت منشأ تجلی قدرت خدا است، و یکی از تعلیمات نهج البلاغه این است که امت اسلامی طاغوت زمان را بشناسند و با قدرت خدا (در سایه وحدت با هم‌دیگر) طاغوت را از بین ببرند؛ «يَا أَخَا بَنِي أَسَدٍ إِنَّكَ لَلْقَلْبُ الْوَضِيعُ تُرْسِلُ فِي غَيْرِ سَدَدٍ... وَ هَلُمُّ الْخَطْبُ فِي ابْنِ أَبِي سُفْيَانَ، فَلَقَدْ أَضْحَكَنِي الدَّهْرُ بَعْدَ إِكْبَانِهِ؛ وَ دَعَّ عَنْكَ نَهْبًا صِيحَ فِي حَجْرَاتِهِ - وَ لَكِنَّ حَدِيثًا مَا حَدِيثُ الرَّوَاحِلِ» (پیشین، خطبه ۱۶۲).

۳- محورهای وحدت

قرآن و نهج البلاغه همان‌طور که به وحدت امت اسلامی اهمیت داده است، ملاک و محور آن را نیز بیان کرده است. دین اسلام ملاک و محور اتحاد امت اسلامی را به حبل الله تعبیر می‌کند؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳). قرآن و نهج البلاغه محورهای وحدت را توحید، اسلام، قرآن، پیامبر اکرم ﷺ، دوستی اهل بیت علیهم‌السلام، برادری اسلامی، قبله و حج معرفی می‌کند.

۱. توحید: بدون تردید یکی از پایه‌های دین اسلام توحید محوری است. قرآن کریم بهترین راه حل اختلافها را توحید معرفی می‌کند؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (حج/۷۸)؛ «فَإِنْ تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ...» (نساء/۵۹). از دیدگاه امیر مؤمنان علیؑ توحید از اصول مشترک جامعه اسلامی است و آن حضرت در هنگام بروز اختلافها بدان تمسک می‌کرد؛ «وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸)؛ «وَ الظَّاهِرُ أَنَّ رَبَّنَا وَاحِدٌ وَ نَبِيَّنَا وَاحِدٌ وَ دَعْوَتَنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ وَ لَا نَسْتَرِيدُهُمْ فِي الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَسْتَرِيدُونَنَا، الْأَمْرُ وَاحِدٌ إِلَّا مَا اخْتَلَفْنَا فِيهِ مِنْ دَمِ عُثْمَانَ، وَ نَحْنُ مِنْهُ بَرَاءٌ...» (پیشین، نامه ۵۸).

۲. اسلام: بدون شک مهم‌ترین عامل وحدت جوامع عرب دین اسلام و اساس گسترش آن مبارزه شدید با هرگونه عوامل تفرقه بوده است (ر.ک: ابن‌خلدون، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۹۴). علیؑ هم به این نکته اشاره می‌کند که دین اسلام عامل وحدت‌بخش و منشأ خیر و برکت برای جامعه عرب جاهلی بوده است؛ «وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِن كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

۳. قرآن: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه یکی از مصادیق حبل الله قرآن است که مسلمانان در هنگام بروز اختلافها، به آن رجوع می کنند (ر.ک: طباطبائی، پیشین، ج ۳، ص ۳۴۲؛ سیوطی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۹۴؛ طوسی، ج ۲، ص ۵۴۵). حضرت علی علیه السلام اتحاد را احیای قرآن و تفرقه را موت قرآن معرفی می کند؛ «فَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانِ يُحْيِيَانِ مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ، وَ يُمِيتَانِ مَا آمَاتَ الْقُرْآنُ وَ إِحْيَاؤُهُ الْجَمْعُ عَلَيْهِ وَ أَمَاتُهُ الْفِتْرَةُ عَنْهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: قرآن کریم وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان اسوه و مرجع رفع اختلافها معرفی می کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۱)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ...» (نساء/۵۹). حضرت علی علیه السلام نیز اتحاد را دساتورد نبوت بیان می فرماید؛ «دَفَّنَ اللَّهُ بِهِ الضَّعَائِنَ وَ أَطْفَالَ بِهِ التَّوَاتُرَ الْفَ بِه إِخْوَانًا وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا أَعَزَّ بِهِ الدَّلَّةُ وَ أَدَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ كَلَامُهُ بَيَانٌ وَ صَمْتُهُ لِسَانٌ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۶).

۵. دوستی اهل بیت علیهم السلام: از دیدگاه قرآن و امیر مؤمنان علیه السلام محبت اهل بیت علیهم السلام یکی از مصادیق حبل الله و یک اصل مشترک است که به عنوان محور وحدت معرفی می گردد (نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۶۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۸). از دیدگاه نهج البلاغه دوستی اهل بیت علیهم السلام انگیزه پیروی «انظروا اهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم فلن يخرجوكم من هدى و لن يعيدوكم في ردى فان لبذوا فالبدوا و ان نهضوا فانهمضوا و لا تسبقوهم فتضلوا و لا تتأخروا عنهم فتهلكوا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) و چراغ روشن «أقيموا هذين العمودين و أوقيدوا هذين المصباحين» (پیشین، نامه ۲۳) برای تکامل امت اسلامی می باشد.

۶. برادری اسلامی: قرآن و نهج البلاغه یکی از نوآوریها و شکوفاییهای دین اسلام را نزدیکی و علاقه دو انسان و اخوت بیان می کند که مهم ترین عامل وحدت جوامع اسلامی می باشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۱۷۳). از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام اخوت عامل مهمی برای ایجاد وحدت می باشد؛ «وَ إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳) و دانشمندان اسلامی نیز بر این مسئله تأکید نموده اند (امینی، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ سماک امانی، ص ۴۸).

۷. قبله مسلمین: بدون تردید قبله مشترک مسلمانان یکی از محورهای وحدت اسلامی است که قرآن «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا...» (بقره/۱۲۵) و نهج البلاغه «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ عَالِي لِّلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَ لِّلْعَائِدِينَ حَرَمًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱) بر آن تأکید می کند.

۸. حج: یکی دیگر از محورهای اتحاد و انسجام اسلامی مراسم عبادی - سیاسی و کنگره بزرگ اسلامی حج است که قرآن از آن به عنوان شعائر الهی یاد می‌کند؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ...» (مانده/۲) و حضرت علی علیه السلام نیز بر آن تأکید فراوان کرده است؛ «فَرَضَ اللَّهُ الْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

۴- راه کارهای عملی وحدت

بدون شک تنها مطرح کردن محورهای وحدت کافی نیست، بلکه با الگو گرفتن از سیره قرآن و اهل بیت علیهم السلام که «هدایت الی المطلوب» و نه «هدایت الی الطریق» می‌باشد لازم است که راه کارهای عملی وحدت و انسجام اسلامی مطرح گردد که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۱. تحکیم مشترکات: بی‌تردید مهم‌ترین مسئله برای وحدت و انسجام اسلامی توجه مسلمانان به مبانی فکری و اندیشه دینی آنها است. مسلمانان جهان با وجود تفاوت‌هایی که در فرهنگ ملی و بومی، آداب و رسوم خود دارند، در اصول و مبانی فکری دارای وحدت هستند. اسلام ضمن احترام به تفاوت‌ها و اختلاف‌ها، مسلمانان را متعلق به یک مجموعه وسیع به نام امت مسلمان می‌داند. امت مسلمان به واسطه مشترکات فکری خود با یک‌دیگر ارتباط دارند که آنها را با وجود پراکندگی خود به یک‌دیگر نزدیک می‌کند. بنابراین عامل اصلی وحدت و انسجام اسلامی همان مشترکات اعتقادی و فکری است که قرآن «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری/۱۳) و نهج البلاغه «وَ الظَّاهِرُ أَنَّ رَبَّنَا وَاحِدٌ وَ بَيْنَنَا وَاحِدٌ وَ دَعْوَتَنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ وَ لَا نَسْتَزِيدُهُمْ فِي الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِهِ وَ لَا يَسْتَزِيدُونَنَا، الْأَمْرُ وَاحِدٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵۸) بر آن تأکید دارد.

۲. تحمل عقاید متقابل (مدارا): مدارا و اصل احترام متقابل یکی از اساسی‌ترین راهبردهای عملی وحدت اسلامی است که ضرورت آن از قرآن و نهج البلاغه (إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ لِعَانِينَ شَتَّامِينَ تَشْتَمُونَ وَ تَنْبِرُونَ) وَ لَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصُوبَ فِي الْقَوْلِ وَ أُبْلَغَ فِي الْعُدْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانَ سَبِّكُمْ إِيَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْفَظْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ اصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلِهِ وَ يَرْعُوهُ عَنِ الْغَيِّ وَ الْعُدْوَانِ مِنْ لَهْجِ بِهِ) (ابن مزاحم، ۱۳۶۴ش، ص ۱۰۳؛ مجلسی، پیشین، ج ۳۲، ص ۳۹۹؛ ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۱۷۱؛ هاشمی خوئی، ۱۳۵۸ش، ج ۱۳، ص ۹۴) آشکار می‌گردد و مسئله برائت از دیدگاه قرآن «وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا

یَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸) و حدیث در عرصه بینش با عرصه رفتار اجتماعی با هم متفاوت است، زیرا رفتار اجتماعی باید با شرایط زمان و مکان هماهنگ باشد.

۳. نقد بدون اهانت: یکی دیگر از راه‌کارهای عملی وحدت اسلامی در عرصه گفت‌وگو دینی، رعایت ادب در نقد است که از دیدگاه قرآن و سیره ائمه معصومان علیهم‌السلام امری ثابت شده است؛ «لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ» (مجلسی، پیشین، ج ۷۵، ص ۸۱)؛ «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷). در هر مذهب و فرقه‌ای، برخی از اعتقادات از ویژگی‌های آنها است و ممکن است در نظر فرقه‌ای بی‌پایه و اساس باشد، اما قرآن کریم روش برخورد مؤمنان را در چنین مواقعی مشخص کرده است؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)؛ «وَ مِنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/۳۳)؛ «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج/۸).

۴. ارتباط علمی اندیشمندان اسلامی: از مؤثرترین راهبردهای عملی وحدت از دیدگاه قرآن «قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَ فِرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ...» (سبأ/۴۶) «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲) و سیره معصومان علیهم‌السلام (وَ أَكْثَرَ مَدَارِسَةَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَشْيِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكِ وَ إِقَامَةَ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ) (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) ارتباط علمی اندیشمندان اسلامی است؛ به این معنا که اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم دینی از فرقه‌های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفت‌وگوهای علمی انجام دهند و با اصول و مبانی یک‌دیگر آشنا شوند، زیرا مهم‌ترین عامل اختلاف امت اسلامی، دوری و نبود ارتباط علمی بین دانشمندان بوده است. عدم ارتباط، سبب ایجاد ابهامات و توهّمات نسبت به یک‌دیگر گردیده و نتیجه آن قضاوت‌ها و نسبت‌های ناروا می‌باشد.

۵. فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی: در قرآن کریم «وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل‌عمران/۱۰۴) و نهج‌البلاغه (فَرَضَ اللَّهُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةَ الْعَوَامِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ) (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲)؛ (وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنَ الْجَانِبِ لِلْفُرْقَةِ وَ اللُّزُومِ لِلْأُلْفَةِ وَ التَّحَاضُّ عَليهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا) (پیشین، خطبه ۱۹۲) به امر به معروف و نهی از منکر اهمیت بسیاری داده شده است، زیرا ارزش‌های دینی بدون فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست. از دیدگاه علی علیه‌السلام یکی از آسیب‌های وحدت و انسجام اسلامی، پشت کردن مردم به فرهنگ وحدت است که قدرت امت اسلامی را سست می‌کند.

۶. اجتناب از تعصب: دین اسلام با تعصب کورکورانه مبارزه نموده است، و از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه یکی از راه کارهای عملی اتحاد جوامع اسلامی پرهیز از تعصب است. در قرآن کریم مهم ترین عامل گمراهی، پیروی از تعصب های کورکورانه دانسته شده و از آن به عنوان یکی از اوصاف جاهلیت نام برده شده است؛ «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَاَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (فتح/۲۶). از آغاز طلوع دین اسلام، نژادپرستی، قومیت گرایی و تبعیض ناروا و ناپسند نفی گردیده است؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳). از دیدگاه علی (علیه السلام) تعصب ورزیدن، پیروی از شیطان است، چون شیطان پیشوای متعصب ها است؛ کسی که به واسطه اصل خود بر آدم (علیه السلام) تعصب ورزید، و پست و خوار شد؛ «اغْتَرَضْتُهُ الْحَمِيَّةَ فَافْتَحَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَتَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ فَعَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعُصْبِيَّةِ وَ نَازَعَ اللَّهَ رِذَاءَ الْجَبْرِيَّةِ وَ ادَّرَعَ لِبَاسَ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ قِنَاعَ التَّدَلُّلِ أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَغُرَ اللَّهُ بِتَكْبَرِهِ وَ وَضَعَهُ بِتَرْفَعِهِ فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَذْخُورًا وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۷. خیرخواهی متقابل: خیرخواهی متقابل امت اسلامی، یکی از راه کارهای عملی برای ایجاد وحدت و انسجام اسلامی است؛ به این معنا که امت اسلامی باید علاوه بر این که یکدیگر را مسلمان می دانند، از تکفیر یکدیگر دست برداشته و از هم حمایت کنند و در حق یکدیگر دعا نمایند. یکی از ویژگی های فرهنگ اسلامی این است که برای هر موضوعی حریم قابل است، به ویژه برای حرمت مسلمان؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا...» (نساء/۹۴). از دیدگاه امیر مؤمنان (علیه السلام) مسلمان احترام ویژه دارد و رعایت حق و حقوق وی لازم می باشد؛ «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَحِلُّ أَدَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). حضرت بارها به موضوع هم بستگی و حمایت از یکدیگر اشاره نموده است؛ «أَيُّهَا النَّاسُ شُقُوا أُمُوجَ الْفِتَنِ بِسُنَنِ النَّجَاةِ وَ عَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ وَ ضَعُوا تَبِيحَانَ الْمُنَافَرَةِ» (پیشین، خطبه ۵). در جوامع حدیثی هر دو فرقه اسلامی روایات بسیاری در باب حمایت و کمک به هم دیگر و اصلاح امور یکدیگر نقل شده است؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۴).

۵- آثار وحدت

بدون تردید تأکید فراوان قرآن کریم و نهج البلاغه بر وحدت و انسجام اسلامی و پرهیز از تفرقه به خاطر آثار و ثمرات وحدت و پیامدهای شوم اختلاف و تفرقه می باشد، زیرا در گرو آن سعادت دنیا و

آخرت رقم می خورد. یکی از اهداف عالی و آرمانی قرآن کریم و نهج البلاغه رساندن جامعه اسلامی به تعالی و ایجاد مدینه فاضله می باشد. این ارزش های عالی بدون وحدت و انسجام اسلامی حاصل نخواهد شد.

در دین مبین اسلام تمام ارزش های اسلامی از آثار و برکات معنوی و مادی برخوردار است. وحدت و انسجام اسلامی نیز آثار و برکاتی دارد که نمونه هایی از آن به شرح ذیل است:

۱. امنیت جامعه: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اولین و مهم ترین اثر اتحاد امتها امنیت است، زیرا امنیت و آسایش اولین شرط زندگی سالم است؛ «الملک بقی مع الکفر و لا بقی مع الظلم» (مجلسی، پیشین، ج ۷۲، ص ۳۳۱). خداوند متعال مهم ترین دساتور اتحاد امت اسلامی را امنیت و آرامش و دور ماندن از جنگ و خونریزی دانسته و اختلاف و تفرقه را عامل از بین رفتن امنیت و آرامش جامعه معرفی می نماید؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذٰلِكَ يَبِيْنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ» (آل عمران/۱۰۳).

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام تأمین امنیت را یکی از اهداف دین مبین اسلام معرفی نموده و به مالک اشتر نخعی حکم می کند که برای تأمین امنیت اجتماعی از راه صلح، دریغ نکند؛ «وَ لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ اِلَيْهِ عَدُوْكَ وَ لِلّٰهِ فِيْهِ رِضًا فَاِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِّجَنُوْدِكَ وَ رَاحَةً مِّنْ هُمُوْمِكَ وَ اَمْنًا لِّبِلَادِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۲. عزت و اقتدار دینی: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه دین مبین اسلام از عزت و اقتدار برخوردار است که اگر امت اسلامی آن را با اتحاد و انسجام پاس بدارند، خداوند اسلام را در تمام جهان حاکم خواهد کرد؛ «وَ عَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمْنًا يَعْبُدُوْنِيْ لَا يَشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ» (نور/۵۵). یکی از آرمان های قرآن کریم عزت و اقتدار دینی است و بدون تردید برای ایجاد این مهم، شرایطی لازم است که یکی از آنها اتحاد و انسجام اسلامی است تا از طریق آن اراده الهی محقق شود.

۳. عزت و اقتدار ملی: یکی از مهم ترین ثمرات اتحاد امتها، بر حق باشند یا باطل، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، اقتدار می باشد و اختلاف و تفرقه سبب ذلت و خواری می گردد. خداوند متعال یکی از مهم ترین آثار را که برای وحدت و انسجام امتها برمی شمارد استواری و حفظ هیمنه و استحکام جامعه اسلامی است. قرآن کریم وحدت را مایه عزت و اقتدار ملی و اختلاف و تفرقه را مایه از بین رفتن هیمنه و استحکام امت اسلامی می داند؛ «وَ اَطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ لَا تَنٰزَعُوْا فَمَتَشٰوٰرًا وَ تَذٰهَبَ»

رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶): «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَوَصَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ...» (آل عمران/۱۵۲).

حضرت علی علیه السلام بارها امت اسلامی را به عبرت گرفتن از سرگذشت امت‌های گذشته و علل پیشرفت یا سقوط آنها فرا می‌خواند. حضرت می‌فرماید: عزت و سربلندی و تعالی هر امت در وحدت و یگانگی و هم‌بستگی آنها است. بزرگ‌ترین عامل قدرت و شوکت یک جامعه وحدت و اتحاد می‌باشد، در مقابل، سقوط و ذلت هر امت در تفرقه و پراکندگی آنها است؛ «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتْ الْأُمَلَاءُ مُجْتَمِعَةً وَ الْأَهْوَاءُ مُؤْتَلَفَةً وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَ الْأَيْدِي مُتْرَادِفَةً وَ السُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَ الْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَ الْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَ مُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفِرْقَةُ وَ تَشْتَتَّتِ الْأَلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ الْأَفْتَدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ وَ تَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ وَ قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كَرَامَتِهِ وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بَقِيَ قِصَصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۴. رشد جامعه اسلامی: از دیدگاه قرآن «... فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/۱۸۶) و نهج البلاغه جامعه اسلامی در سایه ایمان و وحدت به رشد و کمال می‌رسد. اگر جامعه رکود داشته باشد از نظر قرآن این جامعه قرآنی نیست و بدون شک یکی از دعوت‌های قرآن برای رشد جامعه اسلامی اعتصام به حبل‌الله و پرهیز از اختلاف‌هایی است که جامعه اسلامی را سست و راکد می‌سازد. از دیدگاه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام هم یکی از آثار وحدت و انسجام امت، رشد جامعه است؛ چنان که در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه به آن اشاره شده است.

۵. افزایش نعمت‌های الهی: از روشن‌ترین اثرات وحدت امت‌ها خیر و برکت در نعمت الهی است که قرآن و نهج البلاغه به آن اشاره می‌نماید؛ «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲). خداوند متعال سرگذشت بنی‌اسرائیل را به عنوان عبرت برای مسلمانان جهان مطرح می‌کند که چگونه وقتی اتحاد و اتفاق داشتند از نعمت‌های الهی برخوردار بودند، اما از وقتی که اختلاف و تفرقه جای وحدت و اتفاق نشست و به نعمت اتحاد کفران ورزیدند، ذلت و خواری نصیبشان گشت؛ «وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صَدَقَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (یونس/۹۳).

از دیدگاه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام، خداوند در طول تاریخ بشر هیچ نعمتی را با وجود اختلاف، به امتی عنایت ننموده است، زیرا اختلاف نه تنها مانع نزول فیض الهی می‌شود، بلکه سبب سلب نعمت‌های موجود نیز می‌گردد «فَايَأُكُمْ وَ التَّلَوُّنُ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ

فُرْقَةٌ فِيمَا تُجِبُونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَىٰ وَ لَا مِمَّنْ بَقِيَ»
(نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

پس بر امت اسلامی لازم است که از سرگذشت امت‌های پیشین و تاریخ گذشته امت اسلامی عبرت گرفته، به وحدت و انسجام اسلامی رو بیاورد و بداند که وحدت و انسجام اسلامی یک شعار نیست، بلکه یکی از شعائر الهی است و برای اثبات ضرورت آن هیچ دلیل و برهان پیچیده‌ای لازم نیست، و این دغدغه قرآن و حضرت علی علیه السلام به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌باشد بلکه ضرورت آن در تمام زمان‌ها و مکان‌ها روشن است. مهم‌ترین آسیب در فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی عدم شناخت کافی از مفاهیم و اهداف تقریب بین مذاهب و ضرورت آن در حوزه و دانشگاه‌ها است و تا وقتی که شور اتحاد در حوزه و دانشگاه به وجود نیاید ایجاد آن در سطح مردم عادی امکان‌پذیر نیست.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۴- ابن مزاحم، نصر، واقعه صفین در تاریخ، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۶۴ش.
- ۵- امینی، عبدالحسین (علامه امینی)، الغدير فی الكتاب و السنه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۶- بحرانی، سیدهاشم، تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ۷- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.
- ۸- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، سنن الکبری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۹- حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ۱۰- حکیم طباطبائی، محسن، مستمسک العروة الوثقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ق.
- ۱۱- حلبی، علی بن برهان الدین، سیره حلبی، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- ۱۲- خامنه‌ای، سید علی حسینی، حدیث ولایت، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ۱۳- خمینی، روح‌الله، الطهاره، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- ۱۴- رازی، فخرالدین، تفسیر مفاتیح الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

- ۱۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۶/۲/۱۵، مصاحبه با ناصر مکارم شیرازی.
- ۱۶- سبزیان، علی اکبر، *منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی*، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- ۱۷- سماک امانی، محمدرضا، *کاشف الغطاء: اذان بیداری* (طلایه داران تقریب ۳).
- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *ذُر المنتور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیه مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۲۱- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲۳- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- ۲۴- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، امیر کبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۵ش.
- ۲۵- عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
- ۲۶- فاضل لنکرانی، بیانات ایشان در دیدار با رهبر شیعیان پاکستان، ۲۷/۱/۱۳۸۶.
- ۲۷- فراحیدی، خلیل بن احمد، *العین*، دار احیاء التراث العربی، لبنان.
- ۲۸- فضل الله، محمدحسین، *تفسیر من وحی القرآن*، دارالملاک للطباعة و النشر، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
- ۲۹- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، دارالکتب، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- ۳۲- مطهری، مرتضی، *تشنه مقاله*، انتشارات صدرا، قم، چاپ هفدهم، ۱۳۸۳ش.
- ۳۳- معتزلی، محمد بن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، دارالحبل، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

- ۳۴- معلوف، لويس، المنجد، عربى - فارسى، ترجمه: محمد بندريگى، انتشارات ايران، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۴ش.
- ۳۵- مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، دار الكتب الاسلاميه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- ۳۶- نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم ثعلبى، تفسير الكشف و البيان عن تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- ۳۷- هاشمى خوئى، ميرزا حبيب الله، منهج البراعة، مكتبة الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ش.
- ۳۸- يعقوبى، احمد بن واضح، تاريخ يعقوبى، انتشارات دار الكتب الاسلاميه، بيروت، ۱۴۱۹ق.



پیشگامان تقرب

یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه وجهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر همه‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.